

فردیون جنیدی از ایرانی حرف می زند که در آن حتی یک مورچه هم حقوقی داشته است

کار با ماست

صفحه ۱۲ رابخوانید



فلسفه زیستی شما چیست؟

یک نگاه ساده به زندگی

صفحات ۹ و ۱۰ رابخوانید

در صفحه های ۱۱ رابخوانید...

شمارش معکوس

در کلینیک کنترل خشم تهران چه می گذرد؟

من از عصبانی بودن خسته ام

از درون

به روانشناس احساس نیاز نمی کنیم!

گفت و گو با مسئول اولین مرکز پیشگیری و کنترل خشم

از درون

کنترل خشم: اهمیت تشخیص پیش از مداخله

گفت و گو با حسین با یادار باب زندگی و ارزش زیستن

گفت و گو، تنها پاسخ محصل به پرسش از زیستن است

• از نظر شما، زندگی در نگاه ایرانیان چه معنایی دارد؟

بمنظرم می رسد که امروز مقصود از معنای زندگی میان ایرانیان، برحسب آنچه که در فلسفه کهن خردمان داشته ایم، یک نوع امیدواری و به نحوی انگار مکتوبات توحیدی است و انسانها به نغمه هم می گاهای تفکری می کنند که پادشاه است که سید است و این همان چیزی است که باعث شده ایرانیان، بسیاری از هجومها، حملهها و محسبتها را از سرشان بکنند. الان نکته از این قرار است که برای معنای زندگی، تا چه اندازه بازمی گردیم و فرهنگمان را به شکل نقاشیهای فراتر می کنیم که بتولیم به زندگی مان، نوعی اعتدال یا استعلا ببخشیم.

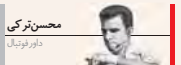
• از نظر شما، زندگی در نگاه ایرانیان چه معنایی دارد؟

منظرم می رسد که امروز مقصود از معنای زندگی میان ایرانیان، برحسب آنچه که در فلسفه کهن خردمان داشته ایم، یک نوع امیدواری و به نحوی انگار مکتوبات توحیدی است و انسانها به نغمه هم می گاهای تفکری می کنند که پادشاه است که سید است و این همان چیزی است که باعث شده ایرانیان، بسیاری از هجومها، حملهها و محسبتها را از سرشان بکنند. الان نکته از این قرار است که برای معنای زندگی، تا چه اندازه بازمی گردیم و فرهنگمان را به شکل نقاشیهای فراتر می کنیم که بتولیم به زندگی مان، نوعی اعتدال یا استعلا ببخشیم.

یادداشت

فرزند، فلسفه زندگی والدین

دکتر، سبب اقتصادی نبر برای خانوادهها ایجاد می کنند من معلم هستم و بیشتر دوران کاری ام در مناطق محروم و مدارس دورافتاده انجام وظیفه کرده ام. به همین دلیل از نزدیک با مشکلات نسل جوان آشنایی دارم و غیر از این که در حوزه اجتماعی هم فعالیت می کنم، به نام نمونه سال های اخیر حضور نسل جوان در روز نگاهها به عنوان تماشاچی حاضر، همچنین سال های ورزشی و عنوان یک ورزشکار افت شدیدی داشته است. من به دلیل حرفه داری شاهد هستم، که روز به روز از تعداد تماشاگران فوتبال کم می شود. برخی از همکاران تصور می کنند که کاهش تعداد تماشاگران آنهست است و توانند در فضای اینترنت رقابت کنند اما همیشه به آنها می گویم که کجاست تعداد تماشاگران عالم فضاپی ازم ترس رقابت ورزشگاه ۱۰۰ هزار نفری می شود و می بینم چند صد نفر بیشتر برای تماشا فوتبال خرید می کنند.



محسن ترکی
داور فوتبال

علاق و اهداف انسان که زیربنای فلسفه زندگی ما هستند، به طور عمومی به ۲ بخش تقسیم می شود. یک بخش مربوط به اهداف شخصی و زندگی خصوصی است و بخش دیگر مربوط به مسائل اجتماعی در حال حاضر، اصلی ترین هدف غامض مربوط به آینده و ورزشکاران است. تلاش زیادی برای تحصیل و تربیت اخلاقی او دارم و سعی ام این است انسانی او را با اخلاق در جامعه باشد و فردی مؤثر در اجتماع بیشتر پدر و مادرهای ایرانی می خوانند فرزندان آنها در آینده برای جامعه مفید باشند و برای تحقق آن از علاقی شخصی می گذردن. نژادهای خود می گذردن. حتی فلسفه زندگی شان هم تحت تأثیر وجود فرزندان شان قرار می گیرد. در کنار این مسئله، مشکل عدالت دیگر، دوست دارم بتولیم که در کودکی بدهم که متعلقه به دلیل حضور در میادین ورزشی به عنوان یک داور فوتبال، کجا هستند و چه خطرات احتمالی که در آنها را تهدید می کند؟ هرچند که خستگی ترین حالت ممکن است این مادی بیشتر است، اما این امر نتایج سودمندی آتی نیست. بلکه با توجه به هزینه های بالای ادامه تحصیل در مقطع

شمال او را با تف توجیه می کنید. بنابراین تمام پرسش هایی که ما به سمت نوعی موجه سازی برای پاسخ به پرسش از ارزش زندگی وامی دارم، ما را به جایی نمی رساند در حالی که آن چیزی که اکنون مطرح نظر است این است که وقتی هر کسی معنایی را پیشنهاد می کند، چقدر این معنا با واقع انطباق دارد و می تواند نقد شود. نقد چهار جانب خود فرد و چه از جانب دیگران.

• مشکل پاسخ موجه معین چیست؟

برای مثال مثالی می زنم، دانش سا گروه های تکفیری، ارزشی برای زندگی می گذرانند و به طور جزئی برای این ارزش ها را به دیگران نیز تحمیل می کنند. یعنی از سر برین، از کشتن و تصرف خاک ابرای، ابدی نماند. نشکسته معنایی چیزی است که شما هر چیزی حتی معنای چیزی را می توانید معنا ببخشید. مثل جوهرهایی که وسط کاغذ می ریزند و کاغذ را راز می کنند و شکلی تصادفی بوجود می آید و هر کسی از آن معنایی استفاده می کند. ذهن به دلیل این که نمی تواند با جهان، بیگانه باشد و از طریق شباهتی که در خودش دارد و می خواهد توسط آن جهان را با خود مأنوس کند، معنایی را بر جهان می آفازد. حتی اگر آن امر، در حلق خودی، معنا باشد مثل همان جوهری که دروی کاغذ که انداخته است. اما نکته در این است که اگر ما در معنا، یعنی آن چیزی که خود، خودی می آید و فکر می کند که جهان را برای واقع مأنوس می کند، به معنی و ارتباط نام را با واقع نقد و سنجش از طریق آن قطع کنیم، جزیمت دکلماتیسی بوجود می آید و افراد به آنچنان یقینی می رسند که می توانند به خاطر آن، آدم کشند یا جهان را به التهاب و آشوب بکشند. لذا اهمیت این است که این است که تا چه اندازه، فلسفه ای که برای معنای برای فلسفه زندگی ما گزیده، با واقع و نسبت دارد و می تواند توسط آن نقد شود. مردم از امر واقع، نقد شدن از طریق یک رابطه بین انسانی است. به عبارت ساده تر یعنی اول آنچه که ما پیشنهاد می کنیم، در معرض بحث و گفتگو دیگران قرار بگیرد و دوم، این که ما از طریق او بتولیم نسبت معنای خودمان را با واقع سنجیم که تا چه اندازه مورد خودمان را نزدیک است. مشکل ما با گروه های مثل داعش همین است که از تاراجاتشان را با نقد قطع می کنند و در شیکه معنایی خود از نوعی جزیمت برخوردار می شوند و ایجاد یقینی می کنند که این یقین را با هیچ امر دیگری نمی توان مورد شک و تردید یا پرسش قرار داد.

• اما هدف من چیست؟

هدف ما از ادامه تحصیل، کسب منافع مادی بیشتر است، اما این امر نتایج سودمندی آتی نیست. بلکه با توجه به هزینه های بالای ادامه تحصیل در مقطع

سوال که «با اساسا زندگی ارزش زیستن دارد یا خیر» چه پاسخی می دهند؟

قطعا ما با آن بخشی از پرسش کار داریم که افراد با تأمل پاسخ خواهند داد. چون ممکن است کسانی بدون تأمل و صرفا با غریزه زندگی را بپذیرند. که ما با این بخش کاری نداریم. روی سوال افرادی هستند که با این پرسش ها رو به رویند که اول زندگی چیست؟ و بعد از آن که هر پاسخ مقدری به این پرسش، دوباره پرسند که آن پاسخی که دادند آیا ارزش زیستن دارد یا نه. نکته مهم در طرح پرسش کلامی این است که کلامی گمان می کند ما می توانیم پاسخی موجه به ارزش زندگی بدیم و بتولیم آن را به لحاظ معاشناسی، توجیه کنیم. اما مشکل این نگاه که فکر می کند ما می توانیم یک پاسخ قانع کننده

• به نظرم می رسد که امروز مقصود از معنای زندگی میان ایرانیان، برحسب آنچه که در فلسفه کهن خردمان داشته ایم، یک نوع امیدواری و به نحوی انگار مکتوبات توحیدی است و انسانها به نغمه هم می گاهای تفکری می کنند که پادشاه است که سید است و این همان چیزی است که باعث شده ایرانیان، بسیاری از هجومها، حملهها و محسبتها را از سرشان بکنند. الان نکته از این قرار است که برای معنای زندگی، تا چه اندازه بازمی گردیم و فرهنگمان را به شکل نقاشیهای فراتر می کنیم که بتولیم به زندگی مان، نوعی اعتدال یا استعلا ببخشیم.

• کلامی گمان می کند ما می توانیم پاسخی موجه به ارزش زندگی بدیم و بتولیم آن را به لحاظ معاشناسی، توجیه کنیم. اما مشکل این نگاه که فکر می کند ما می توانیم یک پاسخ قانع کننده و موجه به معنی این است که اساسا در بحث های معرفت شناسی، اصالت توجیه-اصالت موجه سازی، پایه دور خورد می کند، یا سلسل.



ادامه صفحه ۱۰